

مجله‌ی مطالعات ایرانی  
مرکز تحقیقات فرهنگ و زبان ایران  
دانشگاه شهید باهنر کرمان  
سال دوم، شماره‌ی سوم، بهار ۱۳۸۲

## اخلاق ایرانی به روایت متون پهلوی\* (علمی- پژوهشی)

دکتر تیمور قادری  
استادیار دانشگاه بوعلی سینای همدان

### چکیده

مقاله‌ی حاضر به منظور بررسی ویژگی‌های اخلاق ایرانی براساس روایت متون پهلوی نوشته شده است. براساس یافته‌های این گفتار، اخلاق ایرانی تنها مجموعه‌ای از پند و اندرزها نیست، بلکه شیوه‌های عملی زندگی خانوادگی، اجتماعی و سیاسی را ارائه می‌دهد. در اخلاق ایرانی هر ویژگی اخلاقی با سایر ویژگی‌ها رابطه‌ای متقابل و دوسویه دارد و از این جهت، ساختار و نظامی را به وجود می‌آورد که پایبندی به یک صفت اخلاقی، به خودی خود، پایبندی به سایر صفات را به همراه می‌آورد. این اخلاق در پی آن است که سعادت فردی و اجتماعی انسان را در زندگی دنیوی و اخروی، هردو، تأمین نماید. روش پژوهش حاضر کتابخانه‌ای و سندکاوی است و اطلاعات به دست آمده، به شیوه‌ی توصیفی، طبقه‌بندی و تحلیل شده‌اند.

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۸۱/۱۲/۸

\* تاریخ دریافت مقاله: ۸۱/۹/۵  
نشانی پست الکترونیک نویسنده: \_\_\_\_\_

## واژگان کلیدی

اخلاق ایرانی، متون پهلوی، اندرز، اخلاق خانوادگی، اخلاق اجتماعی، اخلاق سیاسی، بهداشت روان، سعادت.

### مقدمه

اخلاق ایرانی، نه مجموعه‌ای از باید و نبایدهای اندرزی، که خود ارایه شیوه‌ی زندگی است، شیوه‌ای از برای زندگی خانوادگی، زندگی اجتماعی و زندگی سیاسی. اخلاق براین سه نوع حیات سیطره‌ی کامل دارد. روایات و متون پهلوی به شیوایی تمام از اخلاق ایرانی پرده برمی‌دارند: اخلاقی که خود ویژگی‌های بارزی دارد، هدف دارد و تقسیماتی. این ویژگی‌ها که برآمده از سنت ایرانی و بهدین مزدیسنی است، هدفش بهداشت روان درگیتی و نجات روان در مینو، و تقسیمات آن سه حوزه‌ی خانواده و جامعه و سیاست را در برمی‌گیرد، و در یک کلام، اخلاق ایرانی به روایت متون فارسی میانه این هر سه را به صراحت به نمایش می‌گذارد.

این ویژگی‌ها کدام اند: ۱- اصل بخت یا سهم از پیش مقدر شده ۲- پیمان یا میانه روی و میانگرایی ۳- اصل دینداری ۴- اصل خردورزی ۵- اصل خویشکامی و طبقات چهارگانه‌ی اجتماعی ۶- اصل پندپذیری و همپرسی.

هدف چیست: ۱- بهداشت و نکوداشت روان درگیتی ۲- نجات روان آدمی در مینو؛ که در این مورد اخیر، پیوند اخلاق با قیامت‌شناسی به نمایش درمی‌آید.

و سرانجام، تقسیمات دقیقاً کدام اند: ۱- اخلاق خانوادگی برای حفظ کیان خانواده به عنوان اصلی‌ترین هسته‌ی اجتماعی ۲- اخلاق اجتماعی، یا تنظیم روابط فرد با جامعه ۳- اخلاق سیاسی، یا اخلاق شاهان و وزیران و دریک کلام، دولتمردان و زمامداران زمانه.

جان مایه‌ی این اخلاق با ویژگی‌های ششگانه و هدف دوسویه و تقسیمات سه‌گانه، دین و دینداری است. روابط میان این شش ویژگی، رابطه‌ی دوسویه

است که بعداً بدان خواهیم پرداخت. اخلاق با این ویژگی ها به ایرانی ضمانت حیاتی بهتر در دنیا و عقبی را می دهد.

## ویژگی های اخلاقی

### ۱ - اصل بغو بخت یا سهم از پیش مقدّر شده یا اصل جبریت

بی آنکه بخواهیم به کندوکاو در مورد خاستگاه این جبریت بپردازیم که خود سخنی دیگر و گفتاری دیگر را می طلبد، باید بگوییم که اصل اعتقاد به بغو بخت آدمی را به خرسندی و آرامش و آسایش می رساند؛ چرا که بسیاری از امور را نه در ید باکفایت خود، که ناشی از تقدیر کننده ی الهی و نیروهای مینوی، همچون اختران و اباختران می داند؛ در نتیجه، به سهم خویش دلخوش و خرسند می گردد و خود را به آب و آتش نمی زند. بزرگمهر حکیم در یادگار خود برای جهانیان از بخت این چنین سخن می راند:

«بخت و کنش، هردوان، همانا چنان تن و جانند؛ چه تن جدا از جان کالبدی است بیکار و جان جدا از تن بادی است ناگرفتار، و چون با هم آمیخته شوند، نیرومند و بزرگ و سودمند (شوند)، چه بخت و چه کنش؛ بخت علت و کنش بهانه ی چیزی که به مردمان رسند.<sup>(۱)</sup>» و باز: که فرمانروا تر؟ سپهر کیهان بختار.<sup>(۲)</sup> و باز در همین ارتباط، در مینوی خرد آمده است که: هرنیکی و بدی که به مردمان و نیز به آفریدگان دیگر می رسد. از هفتان (= هفت اباختر) و دوازدهان (دوازده برج یا اختر) می رسد. و آن دوازده برج در دین به منزله ی دوازده سپاهید از جانب اهرمزد، و آن هفت سیاره به منزله ی هفت سپاهید از جانب اهریمن خوانده شده اند، و همه ی آفریدگان را آن هفت سیاره شکست می دهند و به (دست) مرگ و هر گونه آزار می سپارند، به طوری که آن دوازده اختر و هفت اباختر تعیین کننده ی سرنوشت و مدبّر جهان اند.<sup>(۳)</sup> و دوباره دینکرت ششم، دایرة المعارف اخلاق ایرانی در این باب چنین می آورد: «این نیز چنین (است) که (نسبت) به بغو بخت [= تقدیر] خرسند باش، چه همیشه اندرناخرسندی زیود، کسی که (نسبت) به بغو خرسند نباشد.»<sup>(۴)</sup>؛ «این نیز چنین (است) که از بغو بخت خویش نشناختن،

ناخرسندی، و از ناخرسندی، خواهش و نائیک روزی و نارجمندی [= نائرز شنیگ] باشد...<sup>(۵)</sup> «گویند که نیک فروهر آتور باد ماراسپندان، خیر گیتی را به بیست و پنج بهر نهاد: پنج بهر به تقدیر، پنج بهر به کنش، پنج بهر به خوی، و پنج بهر به گوهر، و پنج بهر به وراثت [= آفرماند]: که زندگی، و زن، و فرزند و سروری و خواسته به تقدیر، آهلوی و دروندی و آسرونی و ارشتاری و واستریوشی به کنش، خوردن و رفتن، و زناشویی خفتن و کارگزاردن به خوی؛ خیم و مهر و نیکی و رادی و راستی به گوهر؛ هوش و ویر، و تن و زیبایی و دیدن به وراثت (باشد)<sup>(۶)</sup>. و باز به گفته ی دینکرت ششم: هر چیز را می توان دگرگون کرد، مگر بغو بخت (را)<sup>(۷)</sup>. و به گفته ی مینوی خرد: بخت است که به هر کسی و هر چیزی مسلط است<sup>(۸)</sup>.

### ۲- اصل پیمان یا میانه گرایی، و میانه روی

این اصل نیز همانند دیگر اصل ها در متون اندرزی پربسامد است. پیمان در خوردن و آشامیدن و سخن گفتن. پیمان در مناسبات اجتماعی میانه ی نیکبختی فرد دیندار است. اصلی که با فره بود و آپبود [= افراط و تفریط] در تضاد کامل است. در دینکرت ششم می آید که: از پیمان راه به بهشت و از افراط و تفریط راه به دوزخ<sup>(۹)</sup>. و در اندرز خسرو قبادان است که: اندازه و پیمان کنید<sup>(۱۰)</sup>، در واژه هایی چند از آذرباد ماراسپندان می خوانیم که: «به اندازه خورید تا دیر پای باشید، چه به اندازه خوری، به تن نیک است و به اندازه گویی به روان<sup>(۱۱)</sup>. و باز در دینکرت ششم می خوانیم، «خیر گیتی را بی پیمان نیارایید، چه مرد بیش از اندازه گیتی آرای، مینو را بیاشوبد<sup>(۱۲)</sup>. و به تعبیر امروز، هر نوع رفتار درست که از اندازه و حد خود خارج شود، به روان پریشی (= Psychosis) و آسیب های روانی می انجامد و یک نوع بیماری روانی به حساب می آید.

### ۳- اصل دینداری

مهمترین اصل در متون پهلوی اندرزی به حساب می آید. اساس و ضمانت اجرایی و کارایی اخلاق همیشه دین و دینداری بوده است. دین در تمامی متون

فارسی میانه ی زرتشتی تسری دارد، از متون اخلاقی گرفته تا تاریخی و قیامت شناختی. دین متکی به اخلاق و اخلاق درگرو دینداری است. این اصل در هر بسآمدی چیزی دست کم از دیگر اصول ندارد. دین کرفه گری است، خیم و خرد در دین است، جوهره ی دین بی گناهی است، دین، بهترین خصایل همچون راستی، رادی، هنرمندی، کوشایی و میانجی گری را دربرمی گیرد، به دین همیشه باید عمل کرد، و دین آن است که آدمی برای آفریدگان آسایش را طلب کند. دین گهواره ی پیمان است و بالاترین پیمان، انجام کار ثواب است<sup>(۱۳)</sup> و پندار و گفتار و کردار نیک بزرگترین حد پیمان شمرده می شوند. فرخ مرد آن کسی است که از شاهراه دین رود، چه انتهای این راه به بهشت است<sup>(۱۴)</sup> و سرانجام دین، اجتناب از گناه و اجتناب نکردن از کرفه است.

#### ۴- اصل خردورزی

خرد برخاسته از دین است و ابزار آن به حساب می آید. خرد بر دو گونه است: آسن خرد یا خرد ذاتی، و گوشنان سرود خرد یا خرد اکتسابی<sup>(۱۵)</sup>. درعین اینکه خردی که با آن نیکی نیست، آن را خرد نباید شمرد و هنری که خرد با آن نیست، آن را هنر نباید شمرد<sup>(۱۶)</sup>. خرد ابزاری است که آن نگاهداری و احترام نیکان است<sup>(۱۷)</sup>. و به گفته ی دینکرت ششم پر خرد مرد کسی است که در هر گاهی فرجام گیتی را در یاد داشته باشد<sup>(۱۸)</sup>. و از شاخصه های خرد، فرزاندگی، جوانمردی و امید به فرشگرد است<sup>(۱۹)</sup>. جوهره ی خرد چونان آتش است، آتش را هر کجا افروزند، از دور پیدا شود و نجات یافته و ناپاک را آشکار کند، چونان خرد که هر چیزی را به کمک آن به انجام رسانند و باز از ابزار خرد همپرسگی با نیکان است<sup>(۲۰)</sup>.

#### ۵- اصل خویشکاری

از جمله ی اصول عملگرایانه است که هدف از آن حفظ نظام اجتماعی است، خویشکاری ابتدا از خود فرد شروع می شود که باید بداند کیست. مردم است یا

دیو، از گروتمان می آید یا از دوزخ، متکی بر ایزدان است یا دیوان، از پس نیکان می رود یا از پس بدان<sup>(۲۱)</sup>. حال که فرد وظیفه ی دینی و فطری خود را شناخت، باید به وظیفه ای که اجتماع بر دوشش نهاده، پردازد و از آنجا پیروز به درآید. انجام همین خویشکاری او را در یکی از طبقات چهارگانه ی اجتماعی: شهریاران، آسروان، ارتشتاران و استریوشان قرار می دهد. خویشکاری آسروان، نگاهداشت دین و آیین؛ خویشکاری ارتشتاران، دشمن زدن؛ و وظیفه ی استریوشان، آبادانی است<sup>(۲۲)</sup>. خویشکاری و کوشایی از ابزار هنر است<sup>(۲۳)</sup> و از نیکان باید پرسید که خویشکاری چه است<sup>(۲۴)</sup>. و باز دینکرت ششم چنین برمی آید که: از خویشکاری و پیشه ی خود باز نیایستید، چه آنی را که فرهنگ است، تباه کنید و مردم بد هنر بیندارند کسی را که از خویشکاری و پیشه ی خویش باز ایستد<sup>(۲۵)</sup>. علاوه بر این، برای اصلاح امور، و بهبود وضع تربیتی حاکم بر جامعه، آدمی وظیفه ی مهمتری نیز دارد که خود او را نیز شامل می شود، یعنی آنکه دشمن را به دوست، دروند را به درستکار و نادان را به دانا تبدیل کند، که این وظیفه تیغه ی دو دمی است که او را نیز دربرمی گیرد: یعنی اینکه گناهی را که خود به واسطه ی آن دروند می گردد، از خود دور دارد، و نادانی خویش را آنچنان اصلاح کند که به دانایی گراید<sup>(۲۶)</sup>.

#### ۶- اصل پند پذیری و همپرسگی با نیکان

در جامعه ی ایرانی سابقه ای بس طولانی دارد، اهلوان، دانایان، دستوران، هیربدان و موبدان و نیکان، درحوزه ی اخلاق ایرانی، مرجع به شمار می آیند، هیچ کس را از آنان بی نیازی نیست: «یزدان ترس باشید و هیچ کرده ای را به جز از همپرسگی با نیکان نکنید»<sup>(۲۷)</sup>، برترین چیز همپرسگی نیکان است، چه همپرسگی نیایش ایزدان است<sup>(۲۸)</sup>؛ از نیکان باید پرسید که چه (است) اهلائی، و چه (است) کرفه، و چه (است) راستی، و چه (است) خویشکاری، و چه (است) راستی ....<sup>(۲۹)</sup> مردم روان را در سرجا برترکنند، به در دانایان، به در نیکان، و به در آتشگاه، به در دانایان (شوید) تا داناتر گردید و دین را برتن مهمان تر کنید؛ به

در نیکان (روید)، برای اینکه (نسبت) به نیکی و بدی آگاه (شوید) و بدی را از خود دور کنید<sup>(۳۰)</sup>، در جامعه ی ایرانی، ریش سفیدان، سالخوردگان و قدیمی ها، دریایی از تجربه محسوب می شوند و از ارج و احترامی جدای از سن و سال شان برخوردار هستند، و در همین نکته است که نمادگرایی ایرانی معنی کامل را به دست می آورد، این افراد نمادی از فرهیختگی، کارآزمودگی، دینداری، صبوری، میانه روی، و سرد و گرم روزگار چشیدگی به حساب می آیند. همپرسگی با نیکان از ابزار خرد محسوب می شود. برای جلوگیری از بدعت، باید از آموزه ی پوریو تکشیان پیروی کرد. خردوخیم حکم می کنند که آدمی با نیکان قدم زند و نیکی را از هر کسی بگیرد و در حفظ نیکان بکوشد.

### رابطه ی دوطرفه ی ویژگی های اخلاقی

نکته ی حایز اهمیت این که ویژگی های اخلاقی ایرانی در دایره ای بسته و دریک رابطه ی متقابل و دوسویه با یکدیگر قرار می گیرند؛ به گونه ای که هر یک از این ویژگی ها، می تواند یک ویژگی و درعین حال، مجموعه ای از شش ویژگی باشد؛ بدین شکل که اصل دینداری می تواند در بردارنده ی پیمان، خرد، خویشکاری، همپرسگی و بخت باشد؛ و پیمان، همزمان منشأ، دین، خرد، خویشکاری و همپرسگی است؛ و خرد منبعث از دین، پیمان، خویشکاری و همپرسگی و بخت است و از طریق خویشکاری می توان به دین رسید و از طریق همپرسگی می شود به فهمی دقیق از بخت، دین، خرد، و پیمان نایل آمد. خلاصه ی کلام آنکه این شش ویژگی، وحدتی در عین کثرت و کثرتی در عین وحدت اند. جمالات برگرفته ی زیر از دینکرت ششم این رابطه ی دوطرفه را به بهترین نحو به نمایش می گذارد:

«..... خرد آن است که خویش را نفریبید، و دین آن که تا می توانید کرفه کنید، درخیم، خرد نیست، درخرد، خیم است، و خیم و خرد هر دو اندر دین اند. دین همان پیمان است، ابزار خرد، همپرسگی با نیکان است؛ بالاترین چیز همپرسگی بانیکان است، چه همپرسگی بانیکان، نیایش (دین) ایزدان است، از

نیکان باید پرسید که خویشکاری چیست، به درگاه نیکان و دانایان روید، تا دانایانتر شوید و دین را بر تن مهمان تر کنید، هر چیز را ویراستن ممکن است مگر گوهر؛ هر چیز را دگرگون کردن ممکن است، مگر بخت؛ و دارایی مردمان (در این میان) خرد است .....<sup>(۳۱)</sup>».

البته نکته‌ی دیگری نیز لازم به تذکر است و آن اینکه هر یک از این ویژگی‌ها خود دارای یک سلسله صفات اخلاقی است که برگردشان در حرکت است: مثلاً دینداری خود دربردارنده‌ی راستی، رادی، سپاسداری، شهادت دهی، مهمانداری، کامل اندیشی، یگانگی، دستگیری و صفاتی از این دست است. خویشکاری بخش‌های فرعی تری همچون هنرمندی، کوشایی، درست انجام دادن کارها، طبقات اجتماعی و وظایف ایشان، را دربر می‌گیرد. خرد دربردارنده‌ی آسن خرد و گوشانسرود خرد، خیم یا خوی می‌باشد. پیمان دارای اجزایی همچون پیمان گویی، پیمان خوری، پیمان کنشی، و پیمان روشی است. همپرسیگی، احترام به دانایان، کمک به ایشان، آموختن از آنها و ارج نهادن به مقام شان را شامل می‌گردد؛ و بالاخره، بخت و اعتقاد بدان، صبر و شکیبایی، تحمّل رنج و سختی، شکرگزاری و اعتقاد به تقدیر الهی را در خود دارد.

### تقسیمات سه گانه‌ی اخلاق

متون اندرزی پهلوی آمیزه‌ای از سه نوع اخلاق خانوادگی، اجتماعی و سیاسی یا کشورداری است. این هر سه که در متون پهلوی در یک مجمل و منشور قرار می‌گیرند، در دوره‌ی اسلامی هر کدام به منشوری مجزاً و کامل بدل می‌گردند، که ادبیات اندرزی دوره‌ی اسلامی نمایشگر بی‌پرده‌ای از این سه منشور است. به اجمال هم اگر بخواهیم سخن برانیم، باید که رؤس اخلاق خانواده را خیلی خلاصه این چنین مطرح سازیم: گزینش همسر، تربیت فرزندان، همسر دوستی، خویشاوندپروری، تامین مادی اهل خانه و ... . مرد باید در پیوند فرسگرد گناهکار نگردد، یعنی آنکه باید در زمان مناسب همسر اختیار کند، فرزند خواهد و پیوند آرا باشد و همسر نیز باید کدبانو، شوهردار، مهمان دار، دربان و پاک نگهدارنده‌ی



خانه و جای خود باشد که زن کدبانو پرهیزگار، شوهر دوست بهتر است و برای مردم چهار چیز نیک تراست، نان خویش، سخن خویش، کار خویش، و زن خویش، و از هنر و نیکی مرد آن است که با زن کارآمد خویش دوست باشد (۳۲).

### **اخلاق اجتماعی**

اخلاق اجتماعی می تواند ضمن تنظیم روابط فرد با مردم اطراف خویش، به وی آرامش دهد، او را عزت بخشد، در عین حال، به موفقیت اش رساند. فرد در جامعه با سه گروه اجتماعی معاشرت دارد: آنان که پایین تر از او، آنان که همتای وی، و آنان که بالاتر از اویند. در حفظ تن و روان بهتر آن است که آدمی، پایین تر از خود را همتا، همتا را برتر و برتر را به سالاری و سروری بدارد. شجاعت آدمی در میان خلائق آن زمان آشکار می شود که در هنگام فقر و تنگدستی ببخشد و راست گفتار باشد و فرودستان را نکوبد و دوست آدمی به هنگام تنگدستی و احتیاج آشکار می گردد، و باز آدمی باید به بزرگان به احترام نگریسته و از فرودستان دستگیری کند و به همتایان سود رساند و پیوند جهان آن است که آدمی به دیگران مدد رساند و در منزل را به روی مهمان گشوده نگاه دارد. برای مردمان شیوه ی برتر رفتاری همان، مردم دوستی، آشتی خواهی و راستی، فروتنی در مقابل کسان، سپاسداری و همپرسی و میانه روی است، و در دوستی یگانگی یا یک رنگی بهتر است؛ به هنگام درویشی و تنگدستی نباید با بزرگان و سروران لجاجت کرد (۳۳).

### **اخلاق کشورداری یا سیاست مدن**

اخلاق کشورداری یا سیاست مُدُن، همان منشور سیاسی ای است که در متون اندرزی پهلوی جایگاهی خاص دارد. از جمله ی این دستورات همانا روابط متقابل میان پادشاهان و مردم است. پادشاه خوب آن است که نیکان را نگاه دارد و از بدان دوری جوید. مرمان نیز باید به آرامش حاکمان بیاندیشند. کسی برای سروری و امارت بهتر است که از دشمنی با زرتشت و رسالت او تهی باشد. دشمن حاکم و دهیوید، فره بودی (= افراط) و استبداد (ساستاری) است. مردم وظیفه دارند که استبداد را از جهان فرو برکنند، اما بدان گونه که از جوانمردی و

بزرگواری کاسته نشود. پادشاه و توانگر نباید در پادشاهی و قدرت مست گردد، چه که همیشه گزند و سختی بدو رسد. اصالت (= نجابت) جوهره ی شهریاری است. بدعت و افراط و استبداد دشمن پادشاه و پادشاهی است<sup>(۳۴)</sup>.

### سخن آخر بهداشت و نجات روان دست‌آورد اخلاق ایرانی

شاید واژه ی روان در میان واژه های پربسامد اخلاقی، پربسامدترین باشد، (دینکرت ششم ۷۵ بار، مینوی خرد ۳۰ بار، اندرز بزرگمهر ۱۶ بار، اندرزپور یوتکیشان ۶بار). اخلاق ایرانی با شش ویژگی عمده ی خود و تقسیمات سه گانه اش به کاری بس مهم می آید که خود همان بهداشت روان درگیتی و نجات آن درعالم مینوی است؛ و در یک کلام، اخلاق ایرانی باید نجات روان، یعنی حفظ روان در دنیای مادی و رستگاری آن را در مینو، تضمین کند و اخلاق ایرانی، آنچنان که از متون اندرزی برمی آید، چنین ضمانتی را به ایرانی می دهد که این مبحث، مقاله ای مفصل تر را می طلبد و در این کوتاه سخن فعلی به هیچ روی نمی گنجد، اما اگر بخواهیم بسامد ۷۶ بار از واژه ی روان را در دینکرت ششم تقسیم بندی کنیم، در اولین نگاه به یک تقسیم دوگانه برمی خوریم:

#### ۱- دستوراتی که برای حفظ و بهداشت روان است

دستوراتی که روان را از پلشتی ها و به گفته ی امروزی، از آسیب ها به دور می دارد و یا در صورت عدم رعایت روان را به چالش و آسیب می کشاند:

۱- پندهایی که حفظ و بهداشت روان را به همراه می آورند عبارتند از:

۱- نیکی به دیگران ۲- استفاده از خیم و خرد ۳- از دیگران نیکی گفتن ۴- حفظ تن بدون آسیب رساندن به روان ۵- میانجی گری ۶- عمل کردن به شیوه ی ایزدان ۷- تمسک به دین ایزدان ۸- به تاخیر نینداختن کار ۹- بخشش و دهش ۱۰- تن سپاری به ایزدان ۱۱- کرفه گری ۱۲- دوری از بیگانگان ۱۳- سپاسداری ۱۴- سخن گویی ۱۵- دین آوری ۱۶- دوری از عیب ۱۷- تلاش برای نجات روان خود و دیگران ۱۸- شهادت درست دادن ۱۹- عدم دلگرمی به خیر گیتی ۲۰- پرهیز از زن کسان ۲۱- انجام

کار نیک ۲۲- روان دوستی ۲۳ - یزش ایزدان ۲۴ - اندیشیدن به دین ۲۵ -  
برآوردن میل تن به کمک روان ۲۶ - نجات روان و خیر تن ۲۷ - فرو  
نگذاشتن روان ۲۸ - بی گناهی ۲۹ - رفتن به درگاه دانایان، نیکان و آتشگاه  
۳۰ - ایمان به مینو ۳۱ - ایمان به روزشمار ۳۲ - ایمان به وجود روان ۳۳ -  
زنده بودن روان از خیم ۳۴ - مهرورزی با روان ۳۵ - اندیشیدن به عاقبت  
تن و روان ۳۶ - بخشش به نیکان ۳۷ - توبه ۳۸ - درویشی ۳۹ -  
خویشکاری ۴۰ - پیروی از یزدان ۴۱ - رازداری ۴۲ - عدم جدایی تن و روان  
۴۳ - جدیت و پشتکار ۴۴ - گوش فرادادن به ناب دینان ۴۵ - آشتی با روان ۴۶ -  
روان بانی ۴۷ - روان افزایی.

#### ۲- اعمالی که آسیب های روانی را به همراه دارند:

۱ - بدعت ۲ - عمل به شیوه ی دیوان ۳ - به تاخیر انداختن کارها ۴ -  
پیوستگی با بیگانگان ۵ - انجام کار بد ۶ - برآورده ساختن امیال به کمک تن ۷ -  
همراهی دروج با روان ۸ - بی ایمانی به مینو ۹ - عدم ایمان به وجود روان ۱۰ -  
بی ایمانی به روز شمار ۱۱ - گناه ۱۲ - دروندی روان ۱۳ - کینه توزی ۱۴ - اندوه  
۱۵ - دیدن چیزهای عذاب آور ۱۶ - شنیدن سخنان آسیب زا ۱۷ - ایجاد تردید  
۱۸ - عدم رازداری ۱۹ - دروغگویی ۲۰ - از دسترنج دیگران خوردن ۲۱ - دزدی  
۲۲ - تباهی ۲۳ - بی ایمانی ۲۴ - نام و ننگ .

همین قدر بگوئیم که نهایت اخلاق ایرانی ، نهایتی آبرومند است، نهایتی که  
هر ایرانی آزاده و دیندار باید به دنبال آن باشد.

#### نتیجه

براساس آنچه گذشت، می توان اخلاق ایرانی را برآمده از سنت ایرانی و بهدین  
مزدیسنی دانست. هدف این اخلاق، بهداشت روان در گیتی و نجات آن در مینو است.  
برای رسیدن به این هدف اخلاق ایرانی سه حوزه ی خانواده، جامعه و سیاست را دربرمی گیرد.  
دین و دینداری جان مایه ی این اخلاق به حساب می آید. در این اخلاق بر ۶ اصل (۱) بخت  
(۲) میانه روی (۳) دینداری (۴) خردورزی (۵) خویشکاری و تقوی (۶) پند پذیری فوق العاده  
تأکید شده است.

## یادداشت ها

- ۱- ماهیار نوابی، یحیی، مجموعه مقالات، جلد ۱، ص ۴۳۵.
- ۲- همان، ص ۴۳۶.
- ۳- تفضلی، احمد، مینوی خرد، ص ۲۳.
- ۴- دینکرت (۶- متن اصلی)، ص ۱۸۳.
- ۵- همان، ص ۱۹۴.
- ۶- همان، ص ۲۰۱-۲۰۰.
- ۷- همان، ص ۱۷۰.
- ۸- مینوی خرد، ص ۶۴.
- ۹- دینکرت ۶ ص ۱۰۶.
- ۱۰- ماهیار نوابی، یحیی، مجموع مقالات، ج ۱، ص ۱-۵.
- ۱۱- همان، صص ۳-۵۶۲.
- ۱۲- دینکرت ۶ ص ۱۲۳.
- ۱۳- همان، ص ۸۸.
- ۱۴- همان، ص ۱۳۰.
- ۱۵- همان، صص ۱۷۲، ۱۴۴.
- ۱۶- مینوی خرد، ص ۲۵.
- ۱۷- دینکرت ۶ ص ۱۱۴.
- ۱۸- همان، ص ۱۳۷.
- ۱۹- همان، ص ۱۶۳.
- ۲۰- همان، ص ۱۴۱.
- ۲۱- همان، صص ۵-۱۵۴.
- ۲۲- مینوی خرد، ص ۴۸.
- ۲۳- دینکرت ۶ ص ۱۱۴.
- ۲۴- همان، ص ۱۴۶.
- ۲۵- همان، ص ۱۸۸.

- ۲۶- همان، ص ۱۶۷.  
۲۷- همان، ص ۱۴۱.  
۲۸- همان، ص ۱۴۵.  
۲۹- همان، ص ۱۴۶.  
۳۰- همان، ص ۱۶۷.  
۳۱- همان، صص ۱۴۱، ۱۳۰، ۱۰۷، ۸۸، ۸۰.  
۳۲- همان، صص ۱۱۹، ۱۰۷، ۱۰۶.  
۳۳- همان، صص ۱۱۳-۱۱۲.  
۳۴- همان، صص ۱۷۸، ۱۷۷، ۱۳۹، ۱۲۶، ۱۱۲.

#### منابع و مأخذ

- ۱- ماهیار نوابی، یحیی، طاووسی، محمود، بخشی از بندهش بزرگ و مینوی خرد و بخش هایی از دینکرت و بهمن یشت»، شیراز، دانشگاه شیراز، ۱۳۵۸.  
۲- تفضلی، احمد، مینوی خرد، تهران، انتشارات توس، ۱۳۶۴.  
۳- ماهیار نوابی، یحیی، مجموعه ی مقالات، جلد ۱، شیراز، انتشارات دانشگاه شیراز، ۱۳۵۸.  
۴- فره وشی، بهرام، فرهنگ زبان پهلوی، (چاپ سوم)، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۸.

#### منابع لاتین

- 1- shaked ,s, ' Andarz and Andarz literature In preislamic Iran, the new encyclopaedia Iranica II,PP 11-16.  
2- shaked , s, ( transl ) Wisdom of the sassanian sages ( Dēnkartvi ) by āturpāt . ēmēdān , translated by shaul shaked , Westview press Boulder, Colorado, 1979, 384p .( Persian Heritage Series 34) .  
3- Boyce, Mary, Middle Persian literature 'Handbuchder orientalistik Iranistik ,1, 1968.